

فقدان جامعیت از عمده آسیب‌های تفاسیر روایی به شمار می‌رود

از عمده آسیب‌هایی که تفاسیر روایی محض با آن روبرو هستند، جامع نبودن این روش تفسیری است؛ تفسیرهایی نظیر «تفسیر عیاشی» و «فرات کوفی» بسیار مختصر هستند و تفاسیری مانند «نورالثقلین» و «البرهان» که مفصل‌ترند، جامع نیستند.



از عمده آسیب‌هایی که تفاسیر روایی محض با آن روبرو هستند، جامع نبودن این روش تفسیری است؛ تفسیرهایی نظیر 171#&؛ تفسیر عیاشی؛ و 171#&؛ فرات کوفی؛ بسیار مختصر هستند و تفاسیری مانند 171#&؛ نورالثقلین؛ و 171#&؛ البرهان؛ که مفصل‌ترند، جامع نیستند.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمدحسین جواهری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان مطالبی درخصوص آسیب‌شناسی تفاسیر روایی پرداخت و در این خصوص اظهار کرد: همان‌طور که می‌دانید روایات گونه‌های مختلفی دارد؛ یک دسته روایات توضیحی است و دسته دیگر روایاتی که مربوط به جری و تطبیق است. همچنین روایاتی داریم که راجع به بطن و تاویل است و نیز روایات فقهی و روایات شان نزول از دیگر روایات تفسیری است. روایاتی که از به دست ما رسیده به شرطی قابل اعتنا است که خود روایت شرایط اعتماد کردن را دارا باشد؛ به بیان دیگر به‌طور کلی بتوان به روایت اعتنا کرد، هرچند آن روایت مرسله یا معلق باشد.

جواهری افزود: این روایات می‌توانند در حوزه تفسیر به ما کمک کنند، به‌ویژه روایات اهل‌بیت(ع) که راه را بر بطن و تاویل می‌گشایند و اگر این روایات اهل‌بیت(ع) نبود، ما در حوزه بطون قرآن و در حوزه تاویل نمی‌توانستیم ورود کنیم یا همه ابعاد آن به شکل کنونی در دسترس ما نبود و نهی از تفسیر به رای ما را در حدظاهر قرآن متوقف می‌کرد. باتوجه به این‌که معصومین(ع) از علم لدنی برخوردارند، طبیعتاً روایات منقول از آنها در این خصوص می‌تواند به ما کمک کند.

این مترجم قرآن اضافه کرد: البته این روایات آثار دیگری نیز دارد و ما اساساً روش قرآن به قرآن را از روایات اهل‌بیت(ع) داریم و فتح بابی برای ما شده است. البته روایات اهل‌بیت(ع) به‌غیر از روایات وجوه و نظائر و روایات فقهی بیشتر به جنبه جری و تطبیق و بطن و تاویل گرایش دارد، ولی روایات اهل تسنن که از صحابه هم استفاده شده است، بیشتر به ظواهر یعنی معانی واژگان و غیره اشاره دارد. البته روایات صحابه و تابعین و اتباع تابعین جز در ظواهر و ادبیات قابل اعتنا و کار آمد نیست. به هر حال احتمال اشتباه و سوء برداشت در گفتارشان وجود دارد، چون این‌ها مثل اهل‌بیت(ع) راسخان در علم نیستند و به اعتقاد ما در جایگاه اهل‌بیت نیستند، در حالی‌که ائمه معصومین(ع) متکی به علم لدنی هستند و خطا در گفتارشان راه ندارد.

وی عنوان کرد: به‌طور کلی در مورد تفاسیر روایی هم ما چند روش داریم؛ بعضی تفاسیر نظیر 171#&؛ تفسیر عیاشی؛ و 171#&؛ فرات کوفی؛ و 171#&؛ نورالثقلین؛ و 171#&؛ البرهان؛ و همچنین تفسیر 171#&؛ درالمنثور؛ در میان اهل سنت، تفسیر روایی محض هستند. برخی از تفاسیر نیز اجتهادی-روایی هستند؛ یعنی برای تکمیل مباحثشان به روایات مراجعه می‌کنند که اغلب تفاسیر موجود عصر ما از این نوع هستند که روایت را به‌عنوان یک گونه ناپیوسته برای تفسیر به‌شمار می‌آورند. این‌ها برای تکمیل مباحث یا برای اطمینان از آن چیزی که می‌خواهند ارائه کنند، در تفسیر به روایات مراجعه می‌کنند و مدد می‌گیرند. البته گروهی از تفاسیر هستند که صرفاً روایات را به‌عنوان تائید برداشت‌های تفسیری‌شان می‌آورند، یعنی برای تائید گفته‌هایشان به روایات مراجعه می‌کنند که ما متعرض آن‌ها نمی‌شویم.

وی در ادامه گفت: عمده آسیب‌هایی که تفاسیر روایی محض با آن روبرو هستند، جامع نبودن آنها است. تفسیرهایی نظیر 171#&؛ تفسیر عیاشی؛ و 171#&؛ فرات کوفی؛ بسیار مختصر هستند و به تفسیر برخی آیات پرداخته‌اند و تنها برای برخی آیات روایتی را ذکر کرده‌اند؛ برخی از تفاسیر مانند 171#&؛ نورالثقلین؛ و 171#&؛ البرهان؛ مفصل‌ترند اما این‌ها هم جامع نیستند. به‌عنوان مثال برخی روایات در 171#&؛ نورالثقلین؛ وجود دارد که در 171#&؛ البرهان؛ نیست و بالعکس؛ لذا محققین در حال تدوین تفاسیری هستند که جامعیت بیشتری داشته باشد.

جواهری عنوان کرد: باید بگوییم که مفسرین بسیاری از آیات را تفسیر نکردند و نیازی هم به تفسیر آنها نبوده است. در صدر اسلام که از خلیفه اول شروع شد و بعد از او تا زمان خلیفه دوم ادامه پیدا کرد و تا مدتی نزدیک به صدسال نقل حدیث ممنوع بود، بطوری‌که اجازه نقل حدیث به‌کسی داده نمی‌شد. بسیاری از تفاسیر در همان زمان از بین رفت و بعد هم عدم امکانات برای ضبط حدیث باعث شد که حدیث فقط شنیده می‌شد و از بین می‌رفت. ما در ذیل بسیاری از آیات روایتی نداریم و در خصوص این آیات ما فقط ظواهری از معنای آیه را می‌فهمیم، بنابراین در نگاه کلی هم باز این جامع نبودن و نقصانی که از این جهت وجود دارد، کاملاً قابل رویت است.

وی افزود: گذشته از این که روایات بسیاری وجود دارد که این ها روایات تفسیری است و مرتبط با آیات شریفه قرآن هستند، چون به صراحت آیه ای در ذیلش نیامده، مفسران تفاسیر روایی این ها را کنار گذاشتند و این ها را جزء روایات تفسیری به شمار نیاورده اند که این هم يك نقص به حساب می آید؛ یعنی اگر کسی بخواهد به روایات مراجعه کند، باید همه روایات را ببیند و چه بسا روایاتی که در مباحث دیگری مطرح شده و در واقع تفسیری از آیه را به همراه داشته است. این نیز نقص دیگری برای تفاسیر روایی محض به شمار می آید.

این پژوهشگر قرآنی در انتها ابراز کرد: یکی دیگر از اشکالاتی که در تفاسیر روایی وارد شده است، آمیخته بودن روایات صحیح و سقیم است، به طوری که اکنون تفسیری در دست نداریم که روایات صحیح را آورده باشد و مراجعه کننده با آسایش خاطر به آن مراجعه کند. به هریك از تفسیر نام برده شده مراجعه کنید، می بینید که روایات صحیح و سقیم يكجا جمع شده است و بنابراین باتوجه به قابل استفاده نبودن برخی از این روایات، تفسیر روایی آن نیز چندان قابل اعتماد نیست.